

## سمینار بین‌المللی ایران و هند در دوره معاصر

سمینار بین‌المللی روابط ایران و هند در دوره معاصر (1979-2009) با هدف بررسی روابط دو کشور و نیل به راهکارهایی برای توسعه آن، از سوی مرکز مطالعات غرب آسیای دانشگاه جامیه ملیه اسلامیة از 12 لغایت 14 آذرماه 1388 (5-3 دسامبر 2009) در دهلی نو برگزار گردید. در این نشست سه روزه، تعدادی از اساتید و دانشجویان هند از دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی این کشور به همراه تنی چند از اساتید ایرانی حضور داشتند، ابعاد مختلف روابط جمهوری اسلامی ایران و هند مورد بررسی و تجزیه و تحلیل سخنرانان قرار گرفت. نکات مهم سخنرانی‌های ارائه شده به سمینار به شرح زیر است:

3. منطقه ما با چالش‌های عمده‌ای مواجه است که باید مشترکاً با آنها مقابله کنیم. عدم وجود راهکاری مناسب دلیل عمده عدم موفقیت کشورهای منطقه در حل و فصل معضلات خود می‌باشد. تولید زیاد مواد مخدر در افغانستان که به دلیل سود حاصل از تجارت آن می‌باشد، تهدیدی جدی برای منطقه است. از تجارت 140 میلیارد دلاری، تنها بخش ناچیزی از آن (حدود 2 میلیارد دلار) نصیب عوامل افغانی و مابقی نصیب سوداگران اروپائی می‌گردد.

4. اعزام نظامیان بیشتر به افغانستان از سوی اوباما، بیانگر یک روند منفی است و گسترش دامنه بحران را نشان می‌دهد.

5. سومین رأی منفی هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سؤال‌برانگیز است.

ابتدا آقای مشیرالحسن معاون سابق دانشگاه در سخنانی اظهار داشت: روابط ایران و هند باید از تعارفات دیپلماتیک خارج شود. واقعیت‌های سیاست قدرت این است که آمریکا بر روابط ایران و هند به عنوان برادر بزرگتر تأثیرگذار است. وی با اشاره به اهمیت روابط ایران و هند گفت نگران تهدیدات علیه ایران در خصوص برنامه هسته‌ای این کشور هستیم. روابط فرهنگی و تاریخی دو کشور در تقویت مناسبات دو کشور مؤثر است.

سپس آقای میرمحمد موسوی گفت:

1. نباید صادرات انرژی به هند و فراز و فرود قیمت جهانی نفت ملاک افزایش و یا کاهش روابط اقتصادی و تجاری دو کشور قرار گیرد.

2. لازم است در راستای گسترش روابط دو کشور، موانع اجرایی پروژه مهم خط لوله گاز برطرف شود.



پرفسور چیتمانی ماهاپاترا<sup>۱</sup> رئیس مرکز مطالعات کانادا، آمریکا و آمریکای لاتین دانشکده مطالعات بین‌المللی دانشگاه جواهر لعل نهرو نیز گفت:

1. روابط دو کشور در بخش‌های استراتژیک با موانعی همراه است. بخشی از این موانع به موضوع هسته‌ای ایران و فشار آمریکا به هند در این خصوص بازمی‌گردد. ایران حق دارد به تکنولوژی هسته‌ای و سلاح هسته‌ای دست یابد، چرا که در منطقه‌ای واقع شده است که تعدادی از کشورها به این سلاح مجهز هستند. ما مخالف تحریم ایران هستیم، ولی شرکت‌های هندی نمی‌توانند علیه این فشارها مقاومت کنند. لذا رفتار آنها، نباید مواضع هند تلقی گردد. ایران می‌بایستی اجبار و اضطراب دیپلماتیک ما و نیز طبیعت روابط ما با آمریکا را درک کند. هند در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران رأی داده است ولی ما هنوز می‌توانیم به روابط خود ادامه دهیم. هند بازیگر بزرگی در صحنه بین‌المللی نیست.

2. هر کشوری حق دارد رابطه خوبی با آمریکا داشته باشد. در گذشته ایران و حال هند رابطه استراتژیک با آمریکا دارد. تأثیرات منطقه‌ای روابط استراتژیک میان آمریکا و هند قابل توجه نیست و اثرات آن عمدتاً در توازن قدرت در آسیا قابل مشاهده است. البته آمریکا این روزها در منطقه خاورمیانه و آسیای غربی با مشکلات فراوانی مواجه است. عدم توان آمریکا در حل و فصل مشکل فلسطین، شکست‌هایش در عراق و هم‌اینک در افغانستان بر دامنه مشکلات این کشور افزوده است.

3. آمریکا ایران را به حمایت از حماس و حزب‌الله متهم و نیز معترض حضور ایران در نیمکره آمریکائی و رابطه با کشورهای نظیر ونزوئلا، بولیوی و برزیل است. شرایط

مطلوب، مصالحه میان ایران و آمریکا می‌باشد که مشکل هسته‌ای ایران و نیز مشکل هند در دادن رأی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را حل خواهد کرد.

سپس پرفسور سرسکانس کونداپالی<sup>۲</sup> رئیس مرکز مطالعات شرق آسیا دانشگاه جواهر لعل نهرو اظهار داشت:

1- چین در قرن بیست‌ویک جای آمریکا و اروپا را در تأثیرگذاری بر روابط میان ایران و هند خواهد گرفت.

2- مقامات ایرانی گهگاه تهدید به بستن تنگه هرمز کرده‌اند. هند و چین اولین قربانیان هر حرکتی خواهند شد که مانع صدور انرژی در تنگه هرمز شود زیرا بخش اعظم انرژی آسیای شرقی و غربی از این منطقه عبور می‌کند.

3- نقش چین در برنامه هسته‌ای ایران قابل توجه است، درحالی که هند جایگاهی در این راستا ندارد. در ادامه دکتر حمید احمدی از اساتید دانشگاه تهران اظهار داشت:

1. برخلاف منطق مرسوم در طرح اهمیت اشتراکات فرهنگی در شکل‌دهی به روابط ایران و هند، سیستم بین‌المللی و منافع و دغدغه‌های نخبگان، نقش اساسی در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایران در قبال هند در قرن بیست‌ویکم بازی می‌کند.

2. سیاست سنتی ایران مبتنی بر بی‌طرفی در قضیه کشمیر می‌تواند به یک نقش فعال به عنوان میانجی در روابط میان هند و پاکستان ارتقاء یابد. از سوی دیگر در حال حاضر موضوع میانجیگری ترکیه میان ایران و آمریکا مطرح است. هند می‌تواند این نقش را عهده‌دار شود.

3. ممکن است برخی عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی روابط دو کشور را در آینده با چالش مواجه سازد. هر دو کشور از

2. Pof. Srikanth Kondapalli

1. Prof.Chintamani Mahapatra



ناحیه تروریسم آسیب‌پذیر هستند. در سطح بین‌المللی آمریکا و اسرائیل از روابط خود با هند به عنوان ابزاری برای فشار به ایران استفاده می‌کنند. آرای منفی هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمونه‌ای از این فشارها می‌باشد.

در ادامه آقای جلال کلانتری اظهار داشت:

1. نکته اصلی و اساسی درخصوص برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ماهیت صلح‌آمیز آن است. هدف برنامه تولید برق برای تأمین نیازهای کنونی و آتی کشور می‌باشد. به همین منظور جمهوری اسلامی تعامل و همکاری فنی و حقوقی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مرکز ثقل سیاست هسته‌ای خود قرار داده است. نیل به سمت سلاح هسته‌ای در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران جایی ندارد و استراتژیست‌های ما معتقدند که حرکت در این جهت امنیت ملی ما را آسیب‌پذیر می‌کند. به ویژه آنکه رهبر معظم انقلاب بارها در نفی حرکت به سمت سلاح هسته‌ای فتوی داده‌اند.

2. براساس اسناد آژانس، جمهوری اسلامی به همه ابهامات درخصوص برنامه هسته‌ای خود پاسخ گفته است. انعقاد سند مدالیته حل و فصل ابهامات میان ایران و آژانس در 21 اوت 2007 میلادی نشانگر شفافیت کامل همکاری جمهوری اسلامی ایران بود و اجرای آن به ابهامات شش‌گانه آژانس پاسخ گفت و مورد تأیید آژانس قرار گرفت. پس از این مرحله قاعدتاً می‌بایستی پرونده هسته‌ای ما به حالت عادی بازمی‌گشت ولی انگیزه‌های سیاسی فراتر از وظایف آژانس تاکنون مانع این امر شده است.

3. روابط ایران و هند طی سه دهه اخیر، به‌رغم فراز و نشیب‌ها رو به توسعه بوده است. با امضای بیانیه دهلی‌نو در سال 2003 میلادی روابط دو کشور به مرحله

استراتژیک وارد شد. همکاری دو کشور در زمینه‌های کلیدی نظیر امنیت انرژی، همکاری‌های تجاری و تکنولوژیکی، ثبات منطقه‌ای، مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی، همکاری‌های دفاعی و مناسبات فرهنگی مورد تأکید رهبران دو کشور بوده است و اجرای توافقات دو کشور در این زمینه‌ها می‌تواند توسعه مورد انتظار در روابط دو کشور را به دنبال داشته باشد.

4. حجم کنونی روابط اقتصادی نشانگر ظرفیت‌های بالقوه دو کشور نیست. موقعیت جغرافیایی ایران در ایجاد پل ارتباطی میان هند با مناطق دیگر و در کنار ظرفیت ترانزیتی در منطقه می‌تواند مورد بهره‌برداری قرارگیرد. در بخش انرژی، ایران ظرفیت تأمین نیاز رو به گسترش هند به منافع انرژی را دارد و تحقق آن نیازمند کلان‌نگری در روابط دو کشور است. متأسفانه پروژه چند منظوره خط لوله گاز مشهور به خط لوله صلح که از ابعاد اقتصادی و بازرگانی مقرون به صرفه است، هنوز به دلیل برخی ملاحظات از جمله دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای پیش‌رفته است و این درحالی است که پاکستان و ایران آمادگی لازم برای نهائی ساختن آن را اعلام کرده‌اند.

همکاری‌های فرهنگی با توجه به مناسبات تاریخی و تمدنی دو کشور، بخش مهم دیگری است که نیازمند توجه جدی است.

سپس آقای سیدارث واردارجان گفت:

1. حرف اصولی ایران این است که به هدف نیل به اعتمادسازی یک بار کلیه فعالیت‌های برنامه هسته‌ای خود را به حالت تعلیق درآورده ولی از آنجا که هدف کشورهای غربی محروم ساختن ایران از حق مشروع خود بوده، تعلیق جدیدی را نمی‌پذیرد. متأسفانه گفته شده که در رأی‌گیری اخیر در آژانس، نماینده هند در آخرین لحظات



در جریان قطعنامه ضدایرانی قرار گرفته و خواسته‌اند که همراهی کند و وی پذیرفته است.

2. تحریک ایران به خروج از رژیم عدم اشاعه یک دام است که باید از آن پرهیز نماید. آمریکا می‌خواهد بدین وسیله فشار علیه ایران را تشدید نماید.

خانم سیما مصطفی نیز در این بخش ضمن حمایت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، رأی منفی هند در آژانس را زمینه‌ساز بی‌اعتمادی در روابط دو کشور دانست.

سپس دکتر آتول آنه‌جا در سخنانی اظهار داشت:

1. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یک مدل ضد امپریالیستی مبتنی بر درک و تقویت جهان سوم و عدالت اجتماعی، براساس شیعه شکل گرفت که شروع به پرتوافکنی نفوذ خود در منطقه نموده است. مبارزه ایران علیه استعمار انگلیس و امپریالیسم آمریکا تا به امروز ادامه داشته است و با پیروزی‌ها و عقب‌نشینی‌هایی همراه بوده و شکل منطقی آن همواره به پیش بوده است که اوج آن در انقلاب 1979 تبلور یافت. از زمان انقلاب اسلامی ایران، نفوذ این کشور در خارج هیچ‌گاه متوقف نشده است.

2. در شرایط کنونی سیاست خارجی هند چهار گزینه در پیش رو دارد. اولاً هند می‌بایستی آگاهانه به ریشه‌های نهری خود بازگردد و نقش بین‌المللی خود را در پرتو آن بازتعریف نماید. در قرن بیست و یک، متحدان هند نه تنها کشورهای BRIC (برزیل، روسیه، هند، چین) بلکه قطعاً کشورهای وزین منطقه‌ای نظیر ایران، ترکیه، سوریه و آفریقای جنوبی نیز می‌باشند. هند نیازمند دست زدن به ابتکاری برای توجه به تشکیل یک گروه جدید متشکل از کشورهای فوق می‌باشد که به صورت مستقل و با یک برنامه کاری فعالیت کند. چنین گروهی می‌تواند مکمل و یا هماهنگ با سازمان همکاری شانگهای باشد. ثانیاً هند

نیازمند آن است که به معامله هسته‌ای خود با آمریکائیان پایان دهد که ریشه‌های نهری ما را تهدید کرده و به سمت محافل مسلط غربی می‌کشاند. ثالثاً لازم است هند نه تنها مناسبات سیاسی، ترانزیتی، سرمایه‌گذاری و انرژی خود را با ایران تحکیم بخشد، بلکه تحولی در نیل به زمینه‌های مشترک میان خمینیسم معاصر و نهریسم جدید ایجاد نماید که یک اساس بنیادین برای روابط خواهد بود. رابعاً لازم است هند فضای ژئوپلیتیک ایجاد شده برای آمریکا در نتیجه رکود جهانی را درک نماید که همانند فروپاشی اتحاد شوروی در سال 1990 عمل خواهد کرد. کاهش قدرت آمریکا، می‌تواند قدرت مانور هند را افزایش دهد؛ به این معنی که درک جمعی هند با متحدین منطقه‌ای پیش‌برنده خواهد بود.

در ادامه خانم سوجاتا اشواریا چیمپا گفت:

1. پس از جنگ سرد سیاست خارجی هند روابط منافع مدار را به تعامل ایدئولوژی مدار ترجیح داده است. در دوران پس از جنگ سرد منافع کشوری تنها ملاک عمده و مهم در روابط بین‌المللی تعیین گردید. هند روابط مستحکمی با ایران و اسرائیل به صورت مستقل از یکدیگر شکل داد و کوشید توازنی در مناسبات خود با دو بازیگر منطقه‌ای بوجود آورد. این استقلال استراتژیک در تعامل با کشورهایی که درگیر مناقشات عمده با یکدیگر هستند، شاخص رفتاری سیاست خارجی هند در دوران پس از جنگ سرد بوده و نیز بیانگر پیچیدگی روابط دوجانبه و چندجانبه آن است. البته رابطه ایران و هند از پذیرش عمومی برخوردار است ولی این امر در خصوص روابط هند و اسرائیل مصداق ندارد

2. گرچه هند به دنبال آمریکا با رأی منفی به ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مراتب ناخرسندی ایران را فراهم کرده است و این امر به عامل اسرائیل ارتباطی



ندارد، هند به دنبال روابط دوجانبه مستقل بوده بدون اینکه یکی از آنان را به قیمت طرف ثالث مورد استفاده قرار دهد.

سپس دکتر ویشل چاندرا اظهار داشت:

1. عناصر منطقه‌ای در سیستم حمایتی و امنیتی غرب در افغانستان غائب بوده و تعامل منطقه‌ای تحت‌الشعاع حضور گسترده غربی‌ها در این کشور است. آمریکا از بُعد اطلاعاتی درباره القاعده و طالبان وابستگی شدیدی به پاکستان دارد. مبادله اطلاعات با کشورهای منطقه نظیر چین، ایران، روسیه از اوایل سال 2002 میلادی صورت نمی‌گیرد.

2. حضور کشورهای منطقه در سیاست‌های منطقه‌ای به واسطه روابط آنها با آمریکا و غرب و نه براساس منافع مشترک و پاسخ جمعی آنها به مسأله افغانستان تعریف می‌شود.

3. با حمله آمریکا به افغانستان و عراق در فاصله زمانی 2003 و 2006 میلادی زمینه‌ای برای تنفس طالبان فراهم شد و عوامل حامی طالبان در پاکستان نیز فرصتی برای تقویت یافتند. در همین مقطع ناتو که آمادگی لازم را نداشت جایگزین آیسف شد. مصالحه با طالبان در موسی قلعه موفقیتی کسب نکرد و مذاکرات با طالبان محلی ادامه یافت. غرب بتدریج به قدرت‌گیری طالبان اعتراف کرد و نگاه اروپائی در خصوص توجه به گزینه‌های غیرنظامی زمینه ظهور و بروز پیدا کرد.

4. آمریکا تمایلی به خروج کامل از افغانستان ندارد و لذا سیاست منطقه‌ای در خصوص افغانستان و پاکستان در آینده نزدیک شکل نخواهد گرفت. آمریکا از فضای عدم همکاری دوجانبه و منطقه‌ای و شکاف حاصل برای بازی خود در منطقه بهره‌برداری می‌کند.

5. تا هنگام کنفرانس بن همکاری خوبی میان ایران و هند در افغانستان وجود داشت. دو کشور تهدیدات مشترکی از ناحیه افغانستان دارند و در سال‌های اخیر نیز در توسعه زیربنای افغانستان ایفای نقش نموده‌اند. در عین حال دو کشور نسبت به جنگ آمریکا علیه افغانستان اختلاف نظر دارند. ایران خروج کامل غرب را خواهان است ولی هند تعامل غرب در افغانستان را طالب است. ایران آمریکا را و هند طالبان را بیشترین خطر می‌پندارند. سپس دکتر مینا سینگ روی از مؤسسه مرکز مطالعات دفاعی و استراتژیک هند در سخنانی گفت:

1. بندر چاه‌بهار زمینه‌ساز فرصت‌های اقتصادی و تجاری برای دو کشور و نیز چالش‌های بسیار آنها می‌باشد. توسعه این بندر و اتصال آن به افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان را مجدداً به بازار هند و هند را به آسیای مرکزی متصل می‌کند.

2. کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال-جنوب، کوتاه‌ترین مسیر اتصال هند به ایران، روسیه و از آن طریق به شمال اروپا می‌باشد. منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ملاحظات امنیتی و اختلافات سیاسی میان کشورها و محدودیت‌های جغرافیایی و اقتصادی برخی از چالش‌های مربوط به پی‌گیری این پروژه است. به علاوه برخی از قدرت‌های غربی تمایلی به عبور این مسیر از ایران ندارند.

3. برای حل و فصل مشکلات ابتکارات دوجانبه، منطقه‌ای، درک مشکلات یکدیگر و حل و فصل آنها، سرمایه‌گذاری خارجی و توجه به ژئواکونومی و نه ژئوپلیتیک مورد نیاز است.

سپس خانم دکتر مونیکا چانسوریا اظهار داشت:

1. آمریکا و اسرائیل در جلوگیری از تقویت روابط دفاعی ایران و هند تأثیرگذارند. وزارت امور خارجه هند در



مناسبت‌هایی به این دخالت‌ها پاسخ داده است. از جمله در پاسخ به اظهار نظر معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا به هنگام دیدار رسمی جناب آقای احمدی‌نژاد، اعلام داشت: هیچ‌کدام از کشورهای ما در تنظیم روابط فیما بین خود نیازمند راهنمایی دیگران نیستند.

2. بیانیه دهلی‌نو روابط استراتژیک میان دو کشور را بوجود آورد که طی آن طرفین نسبت به یافتن راه‌های همکاری در زمینه‌های مورد توافق دفاعی موافقت کردند. در اجرای مفاد این سند، دو مانور مشترک دریائی میان دو کشور در سال‌های 2003 و 2006 صورت پذیرفت.

3. همکاری‌های ایران و هند کلید ثبات منطقه‌ای و نیز تأمین منافع استراتژیکی و ژئوپلیتیکی است.

دکتر گلشن دیتل نیز در سخنانی گفت:

1. تعلل کنونی هند درخصوص پروژه خط لوله گاز به دلیل محدودیت‌های آن از ناحیه قانون هاید است. همکاری هند با آمریکا برای انزوای ایران از جمله شروط این قانون

است.

2. چین از دیدگاه آمریکا اهمیت بیشتری نسبت به هند دارد و ایده جی 2 نشانگر اهمیت روابط میان آمریکا و چین است. آمریکائی‌ها حتی روابط با پاکستان را به هند ترجیح می‌دهند.

سپس پروفیسور قمرآقا اظهار داشت:

1. مشکلات اقتصادی، نیازمندی به واردات تکنولوژی، تلاش برای عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی سرفصل نیازهای هند به غرب است.

2. به‌رغم رشد هند و ایران باید توجه داشته باشیم که منطقه فقیر است. کشورها به تنهایی توسعه نمی‌یابند و منطقه نیازمند تقویت زیربنای اقتصادی است. ایران از ابعاد مختلف نظیر موقعیت ترانزیتی، منافع انرژی و کار مشترک با افغانستان برای ما مهم است.

**جلال کلانتری**

**مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه**

